

استعاره مفهومی شادی در داستان‌های علی محمد افغانی و تطبیق آن در شادمانی

نگاره‌های درباری مکتب تبریز

نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی، برگرفته از زبان‌شناسی شناختی نوعی ابزار مفهومی در جهت کشف معنای متن در حوزه عواطف و احساسات است که در درک مفاهیم انتزاعی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. در این مقاله یکی از کاربردهای استعاره مفهومی در حوزه‌ی شادی، در دو داستان «شهر آهو خانم» و «بافته‌های رنج» علی محمد افغانی به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. شادی از عواطف بنیادین بشر است که در همه‌ی فرهنگ‌ها وجود دارد و با بررسی استعاره‌ی مفهومی آن تفاوت و شباهت فرهنگ‌ها در اظهار آن به دست می‌آید. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در دو اثر افغانی مجموعه ۴۷ مورد استعاره مفهومی مربوط به شادی یافت شد، که اغلب با استعاره‌های جهانی شادی که توسط کووچش ارائه شده - مطابق است، براساس حوزه مبدأ ۱۶ اسم نگاشت، با فرآیندهای جانورانگاری، طبیعت‌انگاری، سیال‌انگاری، جسم‌انگاری و جهتی در استعاره‌سازی دو داستان آمده است. از اقسام سه‌گانه استعاره مفهومی: ۴ مورد استعاره‌ی جهتی، ۱۹ مورد استعاره‌ی هستی‌شناختی و ۲۴ مورد آن استعاره‌ی ساختاری است. به لحاظ مبدأ پرسامدترین حوزه آن «ماده‌ی درون ظرف» است. بررسی تطبیقی این مقوله در نگاره‌های مکتب تبریز دوره صفوی حاکی از انعکاس این موضوع در آثار برجای مانده از این مکتب است.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با مفهوم شادی در داستان‌های علی محمد افغانی.
۲. بررسی تطبیقی عنصر شادی در داستان‌های علی محمد افغانی با نگاره‌های مکتب تبریز.

سؤالات پژوهش:

۱. مفهوم استعاره‌ی شادی چه جایگاهی در داستان‌های علی محمد افغانی دارد؟
۲. در نگاره‌های مکتب تبریز عنصر شادی چه بازتابی دارد؟

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، شادی، علی محمد افغانی.

استعاره‌ی مفهومی یا شناختی^۱ دستاوردی نو در مقابل استعاره سنتی است که در دهه ۱۹۸۰ از سوی جرج لیکاف^۲ و مارک جانسون^۳ مطرح شد، این استعاره بر پیوند میان زبان و تفکر تأکید دارد و کاملاً برعکس استعاره سنتی که امری بلاغی در ظاهر زبان محسوب می‌شود، با اندیشه مرتبط است و پیش از آنکه در قالب یک عبارت زبانی بیان شود، بر مبنای یک تفکر ذهنی ساخته می‌شود. در دیدگاه سنتی، استعاره ابزاری از صناعات ادبی است که برای زینت کلام به کار می‌رود، اما در رویکرد معاصر، استعاره نشانه‌ای عینی برای تجلی مفاهیم ذهنی انسان است (Lakoff, and Johnson; ۲۰۰۳: ۱۵۳). با این رویکرد دقت در ظاهر زبان برای یافتن استعاره کنار رفت و به جای آن مفاهیم پیچیده برحسب حوزه‌ی مفاهیم ملموس که در زبان دیده می‌شود، معیار تشخیص قرار گرفت. ماهیت این استعاره، مفهوم‌سازی^۴ است؛ یعنی معمولاً حوزه‌ی معنایی پیچیده و انتزاعی را با حوزه‌ی معنایی ساده و ملموس قیاس می‌کند و با این شیوه حوزه‌ی پیچیده و انتزاعی درک‌پذیر می‌شود (Kövecses; 2002: 16-24) در این مسیر مبدأ و مقصد (یا هدف) وجود دارد، مقصد مفهوم انتزاعی و مبدأ معنای ملموس و عینی است، رابطه میان این دو را «نگاشت»^۵ نامیده‌اند. نگاشت مفهوم اصلی در استعاره‌های مفهومی و بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی تناظری بین مجموعه‌ی مفاهیم ذهنی و مفاهیم عینی است (Graddy; ۲۰۰۷: ۱۹۰) به این ترتیب، استعاره، نگاشت میان قلمروهای متناظر در نظام مفهومی است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) هرچیزی که مفهوم انتزاعی دارد و در اندیشه آدمی است با نگاشت به مفهومی عینی تبدیل شود، عواطف و احساسات نمونه‌های مناسبی برای این مفهوم‌سازی است. زبان‌شناسان این نظریه نیز به مطالعه‌ی ساخت استعاره‌ها در حوزه‌های عاطفی^۶ مانند خشم، ترس، شادی، عشق و جز آن توجه نشان دادند. از میان آنها می‌توان به آثار کووچش^۷ اشاره کرد که در این زمینه پیشتاز است.

ادبیات با توجه به ارتباط مستمر و مستقیم با جوامع و فرهنگ‌ها، بستر مناسبی برای بررسی این استعاره‌هاست، ریشه‌های فرهنگی و تفاوت و تشابه‌های گفتمانی را در فرهنگ‌ها می‌توان با بررسی اینگونه استعاره، به دست آورد. در این مقاله از عواطف و احساسات انسانی، استعاره‌های مفهومی در حوزه «شادی»، در دو اثر «شوهر آهو خانم» و «بافته‌های رنج» علی محمد افغانی (متولد ۱۳۰۳) بررسی شده است، شوهر آهو خانم، روایت زندگی سید میران سرابی، مردی حدود ۵۰ ساله و کاسبکاری نسبتاً متمکن با اصول و معتقدات مذهبی است که با وجود داشتن زنی وفادار به نام آهو، عاشق زنی به نام می‌شود و با ورود هما به زندگی‌اش، بنیان خانواده او به هم می‌ریزد سرانجام نیز هما با

^۱ - *Conceptual Metaphor*

^۲ - *George Lakoff*

^۳ - *Mark Johnson*

^۴ - *conceptualization*

^۵ - *mapping*

^۶ - *emotions*

^۷ - *kövecses*

معشوقه دیگرش از شهر می‌رود. افغانی این کتاب را در سال‌های زندان در دهه سی نوشت و بعد از آزادی در سال ۱۳۴۰ چاپ کرد و همان سال جایزه بهترین رمان سال ۱۳۴۰ را دریافت کرد.

موضوع داستان «بافته‌های رنج» رنج‌ها و مشکلات قالی‌بافان روستایی است، مضمون آن روایت زندگی شخصیتی به نام «رضوان» است که در پنجاه سالگی با «یاسمن» ازدواج می‌کند، یاسمن در تولد دومین فرزند هنگام زایمان می‌میرد و در پی آن زندگی سراسر رنج و مشقت رضوان آغاز می‌شود. هر دو داستان از نظر جامعه‌شناسی، روایتی مستقیم از زندگی مردم است و نویسنده در توصیف حالات و رفتار آنها عواطف و احساساتشان را با جزئی‌نگری و با دقت نوشته است. این پژوهش درصدد است در قالب استعاره مفهومی در هر دو داستان، فرآیند استعاره‌سازی واژه «شادی»، بسامد نگاشت‌های استعاری، حوزه‌های مبدأ و اقسام استعاره‌های مفهومی آن را بررسی و تحلیل نماید. در راستای رسیدن به این هدف سوالات زیر مطرح شده است

۱- فرآیند استعاره‌سازی مفهومی واژه «شادی» در آثار افغانی چگونه است؟

۲- چه حوزه‌های مبدایی در ارتباط با شادی در آثار افغانی به کار رفته‌اند؟

۳- اقسام استعاره‌های مفهومی، در هر دو اثر به چه صورتی است؟

۴- پربسامدترین حوزه مبدأ و اسم نگاشت استعاری مورد استفاده در مفهوم‌سازی احساسی شادی کدام است؟

از زمانی که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) کتاب «استعاره‌هایی که باور داریم» را چاپ کردند، مفهوم استعاره نسبت به دیدگاه سنتی دچار تحول گردید و بعد از آن پژوهش‌های مختلف در حوزه استعاره مفهومی آغاز شد. لیکاف (۱۹۹۳) مقاله‌ی «فرضیه‌ی معاصر استعاره» را چاپ کرد، در ادامه کووچش، پژوهشگری است که به اهمیت عواطف در استعاره تأکید کرد و مقاله «استعاره و زبان عواطف» (۲۰۰۰) را در معرفی استعاره‌های مفهومی عواطف نوشت و اظهار داشت استعاره نه تنها در زبانی که مردم برای بیان احساسات خود به کار می‌برند شایع است، بلکه وجود آن برای درک اکثر جنبه‌های احساس و تجزیه احساس ضروری است. بعد از وی، الن مقاله «استعاره و مجاز» (۲۰۰۸) در تحلیل معنی شناسی عواطف از منظر زبان شناسی تاریخی نوشت.

در ایران نیز از اواخر دهه هفتاد، تحقیقات بر این نظریه آغاز شد، هم اکنون کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های دانشجویی متعددی در این موضوع نوشته شده‌اند. اولین بار قاسم زاده (۱۳۷۸) در کتاب «استعاره و شناخت» به صورت پراکنده به این موضوع پرداختند؛ سجودی (۱۳۸۳) مقاله لیکاف را به صورت کتاب با عنوان: «نظریه‌ی معاصر استعاره. مقاله‌ی استعاره (مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی)» چاپ کرد، داوری اردکانی و همکاران (۱۳۹۱) مجموعه مقالات را در این موضوع در کتاب «زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی» چاپ کردند. در حوزه مقالات، گلفام و یوسفی راد (۱۳۸۱) مقاله «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، هاشمی (۱۳۸۹) مقاله «نظریه استعاره مفهومی

از دیدگاه لیکاف و جانسون» را در معرفی این نظریه چاپ کرده‌اند. از نتایج این مقاله‌ها آن است که استعاره صرفاً صنعتی بلاغی نیست بلکه امری ریشه‌دار در نظام اندیشه و ادراک انسان و جاری در کارکردهای روزمره زندگی است. در حوزه رساله‌های دانشجویی، سه رساله به صورت کلی به معرفی این نظریه پرداخته‌اند، مشعشی (۱۳۸۰) رساله «استعاره در زبان فارسی»، یوسفی راد (۱۳۸۲) رساله «استعاره در زبان فارسی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی» و صدری (۱۳۸۵) رساله «بررسی استعاره در ادبیات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی» را نوشته‌اند.

همچنان نیز مقاله‌ها و رساله‌های متعددی هر ساله در این موضوع بر روی آثار ادبی، چاپ می‌شود، در ارتباط با موضوع این پژوهش مقاله «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار» از زوروز و دیگران در (۱۳۹۲) چاپ شده است، نگارندگان پیکره‌ای شامل ۱۴ متن از نویسندگان معاصر را با هدف تعیین پربسامدترین حوزه‌های مبدأ شادی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش تلاش شده با بهره‌گیری از پایگاه دادگان زبان فارسی، پیکره‌ای از متون نوشتاری زبان فارسی معاصر که شباهت بیشتری به زبان روزمره‌ی سخنوران دارد، نمونه‌گیری و سپس استعاره‌های مفهومی آن مشخص شود. نتایج این پژوهش نشان داد که حوزه‌های «شی»، «عمل» و «ماده» پرکارترین حوزه‌های مبدأ در پیکره‌ی مورد مطالعه‌اند. مقاله «بررسی استعاره‌های غم و شادی در گفتار روزمره» از ملکیان و ساسانی در (۱۳۹۲) چاپ شده است، نگارندگان ابتدا استعاره‌های احساس در هر یک از عبارات استعاری را مشخص کرده و سپس این استعاره‌ها را بر اساس مدل کوچش تقسیم‌بندی نموده و سازوکارهای موجود در آن‌ها را تعیین کرده‌اند و با مقایسه‌ی این استعاره‌ها با ۱۳ قلمرو مبدأ معرفی شده‌ی کوچش، رایج‌ترین قلمروهای مبدأ در هر یک از استعاره‌های موجود در زبان فارسی را مشخص کرده‌اند که بیشترین میزان تمرکز این استعاره‌ها یا بر علت احساس است یا واکنش احساسی صورت گرفته یا هر دوی این‌ها. سرانجام به این نتیجه رسیدند که پاره‌ای از قلمروها فرهنگی هستند؛ یعنی قلمروی مبدایی که در یک فرهنگ برای مفهوم سازی احساسی استفاده می‌شود، ممکن است در یک فرهنگ دیگر یا کاربرد نداشته باشد یا در مفهوم‌سازی استعاری دیگری از آن استفاده شود. مقاله «مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی در زبان‌های فارسی، کردی و گیلکی: رویکرد شناختی» از روحی و همکاران در (۱۳۹۷) چاپ شده است، نگارندگان با هدف ساختار مفهومی شادی، قلمروهای مبدأ و نگاشت‌هایی که در مفهوم‌سازی این حس در سه زبان فارسی، کردی و گیلکی مورد استفاده قرار می‌گیرند را انجام داده‌اند نتایج این پژوهش نشان داد گویشوران زبان گیلکی بیشترین تعداد و تنوع نگاشت‌ها در بیان شادی و گویشوران زبان کردی کمترین نگاشت‌ها را در بیان شادی دارند. این پژوهش گامی در جهت شناخت استعاره مفهومی شادی در هر دو اثر است و علاوه بر این، از آنجا که افغانی نگاشت‌های مختلف حوزه شادی را با تأثیر از زندگی مردم در داستان‌هایش آورده است، در جهت شناخت استعاره‌های مفهومی عواطف و احساسات مردمی مفید است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش استعاره‌ی مفهومی شادی در زبان‌شناسی شناختی براساس نظریه‌های لیکاف و جانسون در دو داستان شوهر آهو خانم و بافته‌های رنج علی محمد افغانی بررسی شد. نتایج بررسی نشان داد، در فرآیند استعاره‌سازی مفهومی واژه «شادی» ۴۷ مورد استعاره با ۱۶ اسم نگاشت به شرح زیر آمده است: ۱- شادی بالا است، ۲- شادی جشن است، ۳- شادی جنون است، ۴- شادی خندیدن است، ۵- شادی رود است، ۶- شادی زمان است، ۷- شادی سرزندگی است، ۸- شادی شیرینی است، ۹- شادی غذا است ۱۰- شادی گیاه است، ۱۱- شادی مستی است، ۱۲- شادی نور است، ۱۳- شادی نیرو است، ۱۴- شادی جاندار است، ۱۵- شادی رنگ است و ۱۶- شادی ماده‌ی درون ظرف است.

بررسی اسم نگاشت با آرای کووچش نشان می‌دهد شباهت فرهنگی شادی در جهت بالا، نور، سرزندگی، جاندارانگاری، ماده‌ی درون ظرف، مستی، جنون و نیرو است که تأییدگر تفاوت فرهنگی کمتر در مفهوم آن است. به لحاظ مبدأ استعاره‌ها، ماده‌ی درون ظرف فراوانی بالاتری دارد، بعد از آن، جهت بالا، جشن، گیاه و نیرو هستند. براساس حوزه‌ی مبدأ فرآیندهای جانورانگاری، طبیعت‌انگاری، سیال‌انگاری، جسم‌انگاری و جهتی در استعاره‌سازی دو داستان آمده است. از اقسام استعاره‌های مفهومی، استعاره ساختاری با ۵۱/۰۶ درصد، استعاره جهتی با ۸/۵۱ درصد و استعاره هستی‌شناختی با ۴۰/۴۲ درصد آمده است.

منابع:

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران، ج ۱، تهران: سمت.
- اسکارچیا، چیان روبرتو. (۱۳۹۰). تاریخ هنر ایران ۱۰؛ هنر صفوی، زند و قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۴۴). شوهر آهو خانم، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۱). بافته‌های رنج، تهران: امیرکبیر.
- اندروز، ملکوم. (۱۳۸۸). منظره و هنر غرب، ترجمه بابک محقق، تهران: فرهنگستان هنر.
- بهرامی، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی منظره نگاری مکتب تبریز ایلخانی و مکتب شیراز تیموری»، ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی، ش ۷، صص ۱۰۶-۸۹.
- حاجی‌نژاد، سارا. (۱۳۹۸). «تحلیل سبک نگاره‌های نسخه شاهنامه شاه تهماسبی مکتب نگارگری تبریز صفوی»، هشتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون حماسی.
- شاطری، میترا؛ احمد طجری، پروانه. (۱۳۹۶). مطالعه تأثیرپذیری نگاره‌های شاهنامه تهماسبی از تغییر مذهب در دوره صفوی»، نگره، شماره ۴۲، صص ۶۱-۴۵.

عزیزی یوسفکند، علیرضا؛ مسرور، شیلان و احمدی، مانا. (۱۳۹۸). «بررسی شاخصه های نگارگری مکتب تبریز ایلخانی با تأکید بر شاهنامه دموت»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۴، صص ۳۱-۴۰.

زورورز، مهدیس؛ افراشی، آریتا و عاصی، سید مصطفی. (۱۳۹۲). «استعاره های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار»، مجله زبان شناسی و گویش های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی-پژوهشی، شماره ی پیاپی ۹: ۴۹-۷۱.

هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». ادب پژوهی، ش ۱۲: ۱۱۹-۱۴۰.

Kövecses, Z. (۲۰۰۰). *Metaphor and Emotion: Language, Culture and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kövecses, Z. (۲۰۰۲). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.

Lakoff, G. and M. Johnson. ۲۰۰۳. *Metaphors We live by. Language, Thought and Culture*. Chicago: Chicago University Press.

Lakoff, George and Mark Turner (۱۹۸۹). *More than cool reason: A field guide to poetic metaphor*, Chicago: The University of Chicago Press.

Graddy, J.E. (۲۰۰۷). "Metaphor", in the *oxford handbook of cognitivelinguistics*, ed. Geeraertss and Hubert Cuyckens, oxford: oxford university press.